

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه علق

استاد ضرابی بهمن ۱۳۹۹

جلسه هفتم ۹۹/۱۱/۲۲

آیات شریفه : «كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لَنْسَفَعَا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵) نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶) فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷) سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸) كَلَّا لَا تُطْعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹) - نه چنین نیست ، اگر از این عمل دست بردارد، موی پیشانیش را به شدت می گیریم (۱۵) [همان] موی پیشانی دروغزن گناهپیشه را (۱۶) [بگو] تا گروه خود را بخواند (۱۷) بزودی آتشبانان را فرا خوانیم (۱۸) زنهار فرمانش مبر و سجده کن و خود را [به خدا] نزدیک گردان (۱۹)»

عنوان : مراتب جهاد با نفس و شیطان

در این سوره شریفه سه بار تعبیر «کلا» بکار می‌رود که در سه موقف و سه مرتبه متفاوت در مقابل تهاجمات نفس و شیطان سدّ محکم می‌بندد و راه مبارزه و غلبه بر آنها را تعلیم می‌دهد: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاكِرٌ (۶) حَقًّا كَمَا نَسَى (۷) لِمَ كَذَّبَ بِآيَاتِنَا (۸) كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لَنْسَفَعَا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵) زَنهَارَ اِگَر بَاز نَایَسْتَد مَوِی پِیْشَانِی [او] رَا سَخْت بَگِیْرِیْم «، « كَلَّا لَا تُطْعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹) زَنهَارَ فَرْمَانَش مَبْر وَ سَجْدَه كَن وَ خُود رَا [بِه خَدَا] نَزْدِیك گَرْدَان «

۱- تعارضات بعد حیوانی درون انسان باگرایشات جان علوی و روح الهی،

۲- اقدامات عملی و برخوردهای اجتماعی پیروان نفس و شیطان علیه اسلام و ترویج تعالیم الهی در میان مردم.

۳- تهاجمات افکار شیطانی در عرصه عبادات و صعود معنوی و عرفانی نماز.

در مرتبه اول «کلاً» در مقابل طغیان و سرکشی ناشی از توانگری و استغناء مطرح شده است که خداوند برای درمان آن فرمود: «الم يعلم بان الله یری» توجه به اینکه خداوند می بیند آثار و تبعاتی از قبیل بیداری فطرت و امور دیگری را دارد که بحث آن گذشت، در مرتبه دوم «کلاً» در مقابل اقدامات تبهکارانه و ظالمانه علیه اسلام و تعالیم بر حق آن مطرح است که خداوند برای درمان آن فرمود: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ» تهدید به برخورد های مقتدرانه خداوند که ستمگران را بر سر جایشان بنشانند و آتش جهنم که برای آنها مهیا شده است.

در مرتبه سوم «کلاً» در مقابل مظاهر شیطانی متهاجم و مزاحم در سیر معنوی و معراج روحانی نماز مطرح شده است. که خداوند برای درمان آن فرمود: «لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ» امر به اطاعت و عدم التفات به شیطان و مظاهر شیطانی و سجده نموده است که نمازگزار حتی خود را هم در حالت سجده نبیند و محض سرسپردگی در همه مراتب جسم و جان و روح و قلب برای خدا باشد که عرفا از آن به مقام فنا تعبیر می کنند.

هیچ بنده ای از جهاد در این سه میدان معاف نشده است ؛ هم باید غوغای جدال حق و باطل در درون خود را ببیند و بفهمد و لشگریان حق را در درون خود تقویت کرده، باطل را بمیراند و هم حضور در صف مجاهدان راه حق در عرصه جامعه و مردم را از دست ندهد و هم در معراج معنوی نماز، پرواز بیاموزد و از توجه به هر چه که بال و پر او را می بندد و او را چسبیده به زمین نگه می دارد، اعراض نماید.

تفصیل این تعالیم در آثار دانشمندان و علمای اسلام به ویژه امام خمینی به وفور دیده می شود و بر ماست که لحظه ای بهره گیری از این آثار ارزشمند را از دست ندهیم.

چون عدو نبود جهاد آمد محال	صبر نبود چون نباشد میل تو
صبر نبود چون نباشد میل تو	خضم چون نبود چه حاجت حیل تو
بی هوا، نهی از هوا ممکن نبود	غازئی بر مردگان نتوان نمود

عنوان : تفاوت در میان پیشانی کافران و مؤمنان

در تعبیر: « لَمْ يَنْتَه لَنْسَفًا بِالنَّاصِيَةِ * نَاصِيَةِ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ - اگر از این عمل دست برندارد، موی پیشانیش را به شدت می گیریم * [همان] موی پیشانی دروغزن گناهپیشه را» نکته بسیار قابل تأمل این است که چقدر فرق است میان پیشانی کافران و مؤمنان؟!!!! پیشانی پیروان نفس حیوانی و شیطان که نماد اندیشه و فکر آنهاست و انباشته از توهمات کاذب و خلاف واقع است باید در دنیا بشدت گرفته و کشیده شود تا به حق و واقع مسلم که فطرت‌های سالم آن را بخوبی می‌فهمند، سر بر خاک فرود آورند و در آخرت هم که می فرماید: «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ - مجرمان از چهره هاشان شناخته گردند. پس، از (موی) پیشانی و پاهای گرفته می‌شوند» (الرحمن / ۴۱) و نیز می‌فرماید: «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ * خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ - روزی که کار بر آنان دشوار شود و به سجده کردن دعوت شوند ولی نتوانند سجده کنند. چشمانشان ذلیل و ترسان، ذلت و حسرت آنها را فرا گرفته و از این پیش (در دنیا) وقتی آنها را با تن های سالمشان به سجده خدا می‌خواندند (اجابت نمی‌کردند)» (قلم/۴۲ و ۴۳)

در سوره فرقان آیه ۶۰ می‌خوانیم: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَ مَا الرَّحْمَنُ أَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا- هرگاه به آنان گفته شود: در برابر خدای رحمان سجده کنید، گویند: رحمن کیست؟ آیا به آنچه دستور می‌دهی سجده کنیم؟»

اما مؤمنان با یاد خدا و فطرت بیدارشان در دنیا دائماً بر معرفت و مبارزه با نفس خود می‌افزایند و با معرفت و عشق به پروردگارشان پیشانی بر خاک می‌سایند. و در ذکر سجده و اجبشان می‌گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصْدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَ رِقًّا لَا مُسْتَكْفَأَ وَ لَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ- حقیقتا و حقیقتا معبودی جز خدا نیست ، از روز ایمان و باور و بندگی می‌گویم معبودی جز خدا نیست...» در آخرت هم در قرآن می‌خوانیم « وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ - و بر اعراف مردانی هستند که همه را به سیمایشان می‌شناسند.» (اعراف/۴۶)

امیر المؤمنین فرمود: «نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسِيمَاهُمْ وَ نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَ...» امام صادق (ع) می فرمود: «این کوا نزد امیر المؤمنین (ع) آمد و گفت: ای امیر مؤمنان (آیه ۴۶ سوره ۷) «بر اعراف مردانی باشند که همه کس را از رخسارشان شناسند» یعنی چه؟ فرمود: ماییم بر اعراف که یاران خود را به رخسارشان می شناسیم و ماییم اعراف که خدای عز و جل جز از طریق معرفت ما شناخته نشود و ماییم اعراف که خدا ما را در روز قیامت بر روی صراط معرفت قرار دهد، پس داخل بهشت نشود مگر کسی که ما او را شناسیم و او ما را شناسد و به دوزخ نرود جز آنکه ما او را ناشناس دانیم و او ما را، خدای تبارک و تعالی اگر می خواست خودش را بی واسطه به بندگانش می شناسانید ولی ما را راه و طریق معرفت خود قرار داد، کسانی که از ولایت ما روگردانیده و دیگران را بر ما ترجیح دهند از صراط مستقیم منحرفند...» (الکافی، ج ۱، ص ۱۸۴)

چون رفیقی و سوسه بدخواه را	کی بدانی ثم وجه الله را
حق پدیدست از میان دیگران	همچو ماه اندر میان اختران
دو سر انگشت بر دو چشم نه	هیچ بینی از جهان انصاف ده
گر نبینی این جهان معدوم نیست	عیب جز ز انگشت نفس شوم نیست
تو ز چشم انگشت را بردار هین	وانگهانی هر چه می خواهی ببین

عنوان : آماده باش و درگیری جنود رحمان و جنود شیطان؟

«فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ * سَدَّعُ الزَّبَانِيَةَ- ([بگو] تا گروه خود را بخواند* بزودی آتشبانان را فرا می خوانیم)»

از تعبیر به صیغه امر « فَلَیْدُعُ نَادِيَهُ » (باید گروهش را بخواند) و تعبیر «سَدَّعُ الزَّبَانِيَةَ» (خواهیم خواند) فهمیده می شود که اراده خدا این است که شیطان فرصتی داشته باشد تا یاران خود را جمع کند و هر که راه او را می پسندد به او ملحق شود و مؤمنین در این مبارزه مقام و جایگاه استقرار ابدی خود را در جهان باقی رقم

زنند؛ از این جهت شیطان فراخوان کرده و همه اتباعش و کسانی که زیردستش هستند، چه به صورت افراد نظامی و دارای سلاح و چه کسانی که با وسوسه و افکار و شبهات و... مردم را منحرف می کنند، را فراخوانده است. اینها در مقابل مؤمنین و پرهیزگاران صف آرایی کرده اند. «أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ، وَ اسْتَجَلَبَ حَيْلَهُ وَ رَجَلَهُ، وَ إِنَّ بَصِيرَتِي لَمَعَى مَا لَبَسْتُ عَلَى نَفْسِي، وَ لَا لُبْسَ عَلَى، وَ أَيُّمُ اللَّهِ لِأَفْرِطَنَ لَهُمْ حَوْضًا أَنَا مَاتِحُهُ، لَا يُصْذَرُونَ عَنْهُ وَ لَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ - آگاه باشید که شیطان حزب خود را جمع کرده، و سواره و پیاده‌های لشکر خود را فرا خوانده است، اما من آگاهی لازم به امور دارم، نه حق را پوشیده داشته‌ام و نه حق بر من پوشیده ماند سوگند به خدا، گردابی، برای آنان بوجود آورم که جز من کسی نتواند آن را چاره سازد، آنها که در آن غرق شوند، هرگز نتوانند بیرون آیند، و آنها که گریختند، خیال بازگشتن نکنند.» (نهج البلاغه/خطبه ۱۰)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل‌سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش‌افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود انجام دهند.» (تحریم/۶)

پیامبر صلی الله علیه و آله : «مَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَجِّيَهُ اللَّهُ مِنَ الزَّبَانِيَةِ التَّسْعَةِ عَشَرَ فَلْيَقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَإِنَّهَا تِسْعَةٌ عَشَرَ حَرْفًا لِيَجْعَلَ اللَّهُ كُلَّ حَرْفٍ مِنْهَا جُنَّةً مِنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ - هر کس می خواهد خداوند او را از زبانیه (فرشتگان عذاب) نوزده گانه برهاند، بسم الله الرحمن الرحيم را قرائت کند زیرا آن نوزده حرف است. تا خداوند هر حرف آن را سپری در مقابل یکی از آن فرشتگان قرار دهد.» (بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۵۸) (برای مطالعه بیشتر به بحث‌های کلمه طیبه «بسم الله الرحمن الرحيم» در گروه تدبر مراجعه شود)

عنوان : امر به عدم تبعیت از شیطان و عبادت خدا

یکی از اهداف شیطان دور کردن انسان از نماز است؛ چراکه در سایه نماز، انسان از بسیاری از گناهان در امان می‌ماند. پیامبر خدا (ص) فرمود: «لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ هَائِبًا لِابْنِ آدَمَ ذَعِرًا مِنْهُ مَا صَلَّى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ لَوْفَتِهِنَّ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ - تا زمانی که انسان بر وقت نماز هایش مراقبت می‌کند، شیطان از نزدیک شدن به او ترس و وحشت دارد؛ اما اگر آن را ضایع کرد، شیطان بر او مسلط می‌شود و او را در گناهان بزرگ می‌اندازد.» (روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۱۸)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «العزائم اربعة : العلق و النجم والفصلت والسجده ... اذا قرء شيء من العزائم الاربع فسمعتها فاسجد و ان كنت على غير وضوء و ان كنت جنبا و ان كانت المرئه لا تصلى و ساير القرءان انت فيه بالخيار - سوره هايي كه سجده واجب دارند چهار تاست وقتي چيزي از آيات سجده خوانده شد و آن را شنيدى، سجده كن اگر چه وضو نداشته يا جنب باشى و يا زن در ممنوعيت از نماز باشد. اما در ساير سوره ها (سجده دار) تو در وسعت هستى (مى توانى سجده نكنى)» (شيخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۳۱)

این سوره‌ها در مکه نازل شده‌اند، در جایی که مشرکان در مقابل بت‌ها سجده می‌کردند، خداوند دستور داد که در برابر خداوند سجده کنند؛ وقتی که پیامبر (صلی الله علیه و اله و سلم) آیات سوره نجم را تلاوت می‌کردند به گونه‌ای که این آیات در دل شنوندگان تأثیر گذاشته بود که وقتی آن حضرت آیه سجده را خواندند همه حاضرین اعم از مؤمنین و مشرکین به سجده افتادند به جز ولید بن مغیره که به خاطر ناراحتی نمی‌توانست خم شود و مشتی خاک برداشت و پیشانی بر آن خاک گذاشت. (تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۵۷۶)

کسی که در پیشگاه خداوند سجده می‌کند و شریف‌ترین موضع بدن خود (پیشانی) را به خاک می‌ساید یعنی نهایت تواضع و اخلاص را از خود نشان داده و معنای دیگرش این است که هر دستوری خداوند بدهد بدون چون و چرا انجام می‌دهد. ما تا چه اندازه در برابر خداوند تسلیم هستیم؟

مأمون رقی می گوید: « در خدمت امام صادق (ع) بودم، سهل بن حسن از شیعیان خراسان وارد شد و سلام کرد و نشست. عرض کرد: ای فرزند رسول خدا کرامت و بزرگی از آن شماست، شما خاندان امامت، چرا بر این حق خود سکوت کرده و قیام نمی‌کنید و حال آنکه هزاران نفر از شیعیان شما آماده شمشیر زدن در رکاب شما هستند؟ امام (ع) فرمود: ای خراسانی! لحظه‌ای درنگ کن. پس امر فرمود که تنور را روشن کنند، هنگامی که آتش شعله‌ور شد، به سهل فرمود: داخل تنور شو! سهل گفت: ای پسر رسول خدا، مرا از این کار معاف بدار. در این هنگام هارون مکی یکی از اصحاب باوفای امام وارد شد، در حالی که کفش‌های خود را در دست گرفته بود، سلام کرد و جواب شنید، امام به او فرمود: کفش‌های خود را بر زمین بگذار و داخل تنور شو! او بدون هیچ درنگی وارد تنور شد و در میان شعله‌های آتش نشست. امام صادق (ع) رو به خراسانی کرد و از حوادث خراسان برای او گفت، انگار امام در آنجا حاضر بوده است، سپس فرمود: داخل تنور را نگاه کن. مأمون رقی می‌گوید: من هم جلو رفتم و داخل تنور را مشاهده کردم، هارون مکی در میان آتش نشسته بود و برخاست و از تنور خارج شد.

امام به سهل فرمود: در خراسان چند نفر مانند او را می‌شناسی؟ عرض کرد: به خدا قسم احدی را نمی‌شناسم.

امام حرف او را تایید کرد و فرمود: در زمانی که ما حتی پنج نفر از این‌گونه یاران نداریم چگونه قیام کنیم؟» (بحار، همان، ص ۱۲۳، ج ۶، ص ۱۱۴)

گفت پیغمبر ز سرمای بهار	تن می‌پوشانید یاران زینهار
زان که با جان شما آن می‌کند	کآن بهاران با درختان می‌کند
لیک بگریزید از سرد خزان	کان کند کو کرد با باغ و رزان
راویان این را به ظاهر برده اند	هم بر آن صورت قناعت کرده اند
آن خزان نزد خدا نفس و هواست	عقل و جان عین بهار است و بقاست